



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تحلیل ثانویه رابطه شاخص‌های اقتصادی با نشاط اجتماعی در ایران

سید علیرضا افشانی (استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران، نویسنده مسئول)

afshanalireza@yazd.ac.ir

حمیده شیرینی محمدآباد (دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

hamideh_shiri70@yahoo.com

چکیده

هدف از انجام دادن پژوهش حاضر، بررسی رابطه شاخص‌های اقتصادی با نشاط اجتماعی در مقیاس کشوری به تفکیک استانی (۳۰ استان) بود که به روش تحلیل ثانویه انجام شد. داده‌های مربوط به نشاط اجتماعی از مطالعه منتظری و همکاران (۱۳۹۱) و داده‌های مربوط به شاخص‌های اقتصادی از نتایج آمارگیری کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) اخذ شده بود. به منظور تحلیل داده‌ها از تحلیل توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداقل نمره، حداکثر نمره) و تحلیل استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که میانگین شاخص کلی شادکامی $3/43$ است و در سطح متوسطی قرار دارد. بیشترین میانگین نشاط اجتماعی با $3/69$ به استان زنجان متعلق است و کمترین مقدار این متغیر $3/12$ است که به استان یزد تعلق دارد؛ بنابراین استان زنجان، شادترین استان کشور محسوب می‌شود. علاوه بر این، بر طبق نتایج مشخص شد که بین شاخص‌های اقتصادی مختلف نظیر ضریب جینی، نرخ مشارکت، ارزش افزوده، نرخ اشتغال ناقص، نرخ بیکاری، سرانه تولید، سرانه ارزش افزوده و سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال با نشاط اجتماعی رابطه معنادار وجود نداشت؛ بنابراین به رغم تصور عمومی، میزان اثرگذاری شاخص‌های اقتصادی بر نشاط اجتماعی شهروندان ضعیف

است و سهم ضعیف آن را در تبیین نشاط اجتماعی می‌توان چنین تشریح کرد که شاخص‌هایی چون اشتغال کامل، نرخ بیکاری پایین، ضریب جینی بالا و مواردی از این دست به تنهایی نمی‌توانند در شادکامی افراد اثر داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های اقتصادی، نشاط اجتماعی، اشتغال، بیکاری، استان‌های ایران.

۱. مقدمه

شادمانی و نشاط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر، به‌دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان دارد، همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است (آرگیل^۱، ۲۰۰۱، ص. ۵۱) نشاط یا شادمانی واژه‌ای است که شامل معانی مختلفی چون لذت آنی، لذت طولانی مدت و لذت از کل زندگی می‌شود (شریفی، سوکی، تقریبی و اکبری، ۱۳۸۹، ص. ۶۳). بسیاری از روان‌شناسان بر این عقیده‌اند که نشاط هیجان مثبت است که حاوی سه عنصر اساسی لذت، خرسندی و رضایت از زندگی است (فرهادی، جواهری، غلامی و فرهادی، ۱۳۸۴، ص. ۵۷). موتور محرکه توسعه پایدار نشاط اجتماعی است که از انحرافات اجتماعی می‌کاهد، امنیت اجتماعی را افزایش می‌دهد و همبستگی اجتماعی را زیاد می‌کند و بیگانگی با جامعه را کاهش می‌دهد (بشیرنژاد، ۱۳۹۲، ص. ۶۴).

در راستای ضرورت نشاط در جامعه، از سال ۲۰۰۰ به بعد، سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه یافتگی کشورها متغیر نشاط اجتماعی، امید به آینده، خشنودی و رضایتمندی افراد جامعه را به‌عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات کرده است؛ به این صورت که اگر مردم یک جامعه احساس نشاط و خشنودی و رضایتمندی نکنند، نمی‌توان آن جامعه را توسعه یافته به‌ویژه در حوزه توسعه اجتماعی قلمداد کرد (زیبایی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱)؛ این در حالی است که یکی از چالش‌های فراروی انسان در دنیای امروز، احساس بهزیستی و

شادکامی است؛ چراکه با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در فناوری و تأمین آسایش انسان احساس شادمانی وی افزایش نیافته است (قطره‌ای، ۱۳۸۵، ص. ۸) و وضعیت عمومی نشاط در ایران به استناد شواهد و آمار چندان رضایت‌بخش نیست و براساس شرایط جامعه، نشاط اجتماعی در ایران در مرز بحران و هشدار عنوان شده است (زارع شاه‌آبادی، مبارکی و فردوسی‌زاده نایینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۶). براساس پژوهشی در سطح بین‌المللی (۲۰۱۶)، سطح نشاط و شادی در دامنه تغییرات (صفر تا ۸) در ایران برابر با ۴/۸۱۳ و انحراف معیار آن برابر با ۲/۵۵۸ و رتبه ایران در بین ۱۵۷ کشور مطالعه‌شده، ۱۰۵ بوده است که در مقایسه با برخی از کشورها از جمله هندوراس، نیجریه، تانزانیا، ویتنام و... در حد پایین‌تری قرار دارد (هلیول، لایارد و ساکس^۱، ۲۰۱۶)؛ این در حالی است که گام‌نهادن در مسیر توسعه و ایجاد جامعه‌ای که در آن آرامش و سعادت محقق شود، به زمینه یا مقدماتی نیاز دارد که با اتکاء به آن، این خواست تحقق یابد. از جمله این مقدمات، شادی و نشاط فردی و اجتماعی است (کیا و امیری، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۰)، اما این شادکامی خود حاصل و پیامد مجموعه‌ای از عوامل فردی و فرافردی است که در تقویت یا کاهش آن تأثیرگذارند و در این تحقیق تلاش شد از بین عوامل مختلف شاخص اقتصادی، به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بررسی شود.

جامعه ایران به لحاظ مواجه شدن با تحولات ساختاری همانند افزایش سالانه جمعیت، مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن و در آستانه ورود به عرصه دنیای تکنولوژی، شاهد بروز پدیده‌های مختلفی در حوزه شرایط اقتصادی شده است که این موضوع بر نشاط و شادی جامعه ایران بیشتر از گذشته تأثیر گذاشته است. با وجود آنکه پرداختن به رابطه شاخص‌های اقتصادی با شادکامی مردم از موضوعات درخور توجه در مطالعات جامعه‌شناسی اقتصادی محسوب می‌شود، بررسی‌های محدودی در مورد شاخص‌های اقتصادی و پدیده‌ای اجتماعی چون نشاط در ایران در دسترس است. و پژوهش حاضر با توجه به واحد تحلیل و ابعاد بررسی‌شده شاخص‌های

1. Helliwell, Layard & Sachs

اقتصادی، یکی از معدود پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است و سعی دارد نیم‌رخ از وضعیت نشاط اجتماعی در ایران به تفکیک استان را نشان دهد و به رابطه شاخص‌های اقتصادی با نشاط اجتماعی در بین استان‌های مختلف ایران بپردازد.

۲. مبانی نظری تحقیق

۱.۲. پیشینه تحقیق

مرور پژوهش‌های انجام‌شده در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که پژوهش‌های محدودی در زمینه موضوع پژوهش حاضر یعنی تحلیل رابطه بین شاخص‌های اقتصادی (اشتغال ناقص، نرخ بیکاری، ضریب جینی شهری، ضریب جینی روستایی، نرخ مشارکت، ارزش افزوده، محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار، سهم استان در محصول ناخالص داخلی، سهم استان در جمعیت کل کشور، سرانه تولید، سرانه ارزش افزوده و سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال) و نشاط اجتماعی انجام شده‌اند و در نتیجه لزوم بررسی عمیق‌تر این موضوع احساس می‌شود.

چیو و وانگ^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که سطح تولید ناخالص داخلی سرانه تأثیر مثبت، اما ضعیفی بر شادکامی جوانان نسبت به افراد سالخورده دارد. آلوئیس^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای به دنبال یافتن پاسخی برای این پرسش است که آیا بین نابرابری درآمد و شادی رابطه‌ای وجود دارد؟ یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش اقتصادسنجی اثرات ثابت برای ۳۰ کشور حاکی از آن است که نابرابری درآمد اثر منفی بر شادی کشورهای مطالعه‌شده دارد و شدت این اثر برای افراد ناراضی از زندگی بیشتر از افراد راضی از آن است. گریفر، لاوسون و تورن^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان «اقتصاد آزاد و شادکامی» نشان دادند که رابطه مثبتی بین شادی و اقتصاد آزاد وجود دارد. همچنین تولید

1. Chiu & Wong

2. Alois

3. Gropper, Lawson & Thorne

ناخالص داخلی سرانه اثر قوی و مثبتی بر شادی داشته است. راپرا و لیونگاس^۱ (۲۰۱۱) در مطالعه خود به بررسی سیاست پولی و شادمانی در ۱۷ کشور از آمریکای لاتین طی دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تورم و بیکاری هر دو باعث کاهش شادمانی شده‌اند؛ با این حال شواهد نشان می‌دهد که بیکاری باعث ناخوشنودی بیشتر مردم از تورم شده است. پرنگر^۲ (۲۰۰۴) به بررسی تأثیر برخورداری مالی و سطح درآمد بر فرایندهای محیطی، رضایت از زندگی و شادکامی پرداخت. نتایج حاکی از آن بود که برخورداری مالی و میزان درآمد فعلی با میزان رضایت از زندگی و شادکامی رابطه معنادار دارد.

مایرز^۳ (۲۰۰۰) پژوهشی بر مردم آمریکا، کانادا و اروپا انجام داد. نتایج حاکی از آن بود که بین سطح درآمد و شادی همبستگی ضعیف وجود دارد.

نادمی و جلیلی کامجو (۱۳۹۷) مطالعه‌ای را به منظور ارزیابی تأثیر فقر مطلق و نسبی بر نابرابری شادی انجام دادند. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش نشان داد که فقر مطلق و نسبی تأثیر مثبت و معناداری بر نابرابری شادی در جامعه ایران داشته است. ابونوری و اسکندری (۱۳۹۵) پژوهشی را به منظور بررسی اثر تورم و بیکاری بر شادکامی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ایران انجام داد. نتایج نشان داد که اثرات بیکاری و تورم بر شادمانی منفی و معنادار است. ذهبی (۱۳۹۴) در یک پژوهش مقطعی در شهر مشهد نشان داد که بین میزان درآمد و وضعیت اشتغال با نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. عنبری و حقی (۱۳۹۳) پژوهشی را به منظور بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان شهری و روستایی انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که ارتقای پایگاه اجتماعی و اقتصادی در افزایش میزان نشاط اجتماعی زنان مؤثر بوده است. کیانی (۱۳۹۱) به بررسی

1. Luengas & Ruprah

2. Perneger et al

3. Myers

ارتباط بین درآمد و شادکامی در بین خانواده‌های ایرانی در اصفهان پرداخته است. تحلیل‌ها نشان از ارتباط بین درآمد و شادکامی داشته است، اما این رابطه از نوع منفی است. ابراهیم‌زاده، آرام و پناهی (۱۳۸۹) مطالعه‌ای بر دانشجویان دانشگاه آزاد واحد پارس‌آباد مغان انجام دادند. نتایج حاکی از آن بود که از بین متغیرهای موجود در پژوهش (امید به آینده، مقبولیت اجتماعی، ارضای نیازها و پایگاه اجتماعی-اقتصادی) صرفاً پایگاه اجتماعی-اقتصادی با نشاط رابطه و همبستگی معناداری نداشت. هزارجریبی و آستین‌فشان (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)» نشان دادند که بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی و نشاط رابطه معنادار وجود دارد.

با مرور پژوهش‌ها مشخص می‌شود که در مطالعات معدود انجام‌شده، به‌طور عمیق به موضوع شاخص‌های اقتصادی (با ابعاد مطرح در پژوهش حاضر) پرداخته نشده است و با توجه به اهمیت نشاط به‌عنوان یک پدیده مهم در جامعه، ضرورت بررسی دقیق‌تر این پدیده اجتماعی احساس می‌شود. بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در خارج و داخل کشور درباره ارتباط بین نشاط اجتماعی و شاخص‌های اقتصادی بیانگر این است که نشاط اجتماعی مقوله‌ای چندبعدی و پیچیده است که صرفاً با بررسی یک شاخص (شاخص‌های اقتصادی) تبیین آن امکان‌پذیر نیست. در یک نگاه کلی، بر پایه مطالعات انجام‌شده می‌توان اذعان داشت که نوع رابطه و میزان اثرگذاری شاخص‌های اقتصادی بر سطح شادی، یکسان و ثابت نیست؛ از این روست که در برخی از مطالعات رابطه بین این دو متغیر معنادار است و در برخی دیگر این رابطه معنادار نیست.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

نظریه‌های مطرح‌شده در زمینه شاخص‌های اقتصادی تبیین‌کننده متغیر وابسته پژوهش (نشاط اجتماعی) هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. لازم است ذکر شود که در عرصه ارتباط شاخص‌های اقتصادی چون ضریب جینی شهری، ضریب جینی روستایی، نرخ مشارکت، ارزش افزوده، محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار، سهم استان در محصول

ناخالص داخلی، سهم استان در جمعیت کل کشور، سرانه تولید، سرانه ارزش افزوده و سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال با نشاط، با ضعف تئوریک زیادی روبه‌رو هستیم. نشاط یکی از خلقیات اساسی در زندگی فرد است و نقش مهمی در چارچوب حیات روانی و اجتماعی او بازی می‌کند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۶). در بررسی تمایلات اجتماعی مردم آمده است که ثروت و پول می‌تواند مشکلات مردم را حل کند و تولید نشاط کند، اما یافته‌های دیگری نیز به دست آمده است که نشان می‌دهد افرادی که تصور می‌کنند ثروت مهم است و موفقیتشان را با آن ارزیابی می‌کنند، کمتر شاد هستند و حتی با داشتن ثروت مأیوس هستند.

اقتصاددانانی چون جان لاک^۱ و جرمی بنتهام^۲ نیز معتقدند که نشاط مبتنی بر تعداد وقایع لذت‌بخش است. منظور از نشاط، احساس خوب لذت‌بردن از زندگی و آن احساس فوق‌العاده است و با بدبختی یعنی احساس بد متفاوت است (لایارد^۳، ۲۰۰۵، ص. ۲۷). همچنین بنتهام استدلال کرده است که نشاط فقط درآمد یا ثروت نیست، بلکه ترکیبی از رفاه فردی و اجتماعی نیز است (موتا، تریگو و پیرا^۴، ۲۰۰۸، ص. ۲).

برخی از نظریه‌پردازان و محققانی چون بوردیو^۵ (۱۳۸۰)، مارکس^۶ (فانتز و روجاس^۷، ۲۰۰۱: ۲۹۳) و اینگلهارت^۸ (۱۹۹۰) (عابدی، ۱۳۸۱، ص. ۹۰) نیز در حوزه شادمانی به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند. بیشتر نتایج این مطالعات نشان داده است شرایط عینی به خودی خود نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح

-
1. John Locke
 2. Jeremy Bentham
 3. Layard
 4. Mota, Trigo & Pereira
 5. Bourdieu
 6. marx
 7. Fuentes & Rojas
 8. Englehart

شادمانی افراد ندارد. یکی از پیروان این دیدگاه، لین^۱ (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول باعث به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه تشدید اضطراب و کاهش رضایت و شادمانی منجر می‌شود، اما اوت در نقد نظر لین اظهار می‌کند به واسطه گسترش آزادی‌ها، اثرات منفی بازار و پول بر شادمانی جبران می‌شود که این امر نیز به ثابت ماندن سطح شادمانی منجر می‌شود. اینگلهارت در این رابطه تغییر در شرایط حیات عینی انسان‌ها را به دو بخش کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرده و استنباط می‌کند تغییر وضعیت عینی در کوتاه‌مدت ممکن است احساس آنی رضایت یا نارضایتی به دنبال داشته باشد، اما در بلندمدت و با افزایش امنیت اقتصادی و جانی افراد در جوامع به مرور اهداف فرامادی جای اهداف مادی را می‌گیرد و در این اوضاع، سطح بالای درآمد نقش خود را در بالابردن سطح شادمانی افراد از دست می‌دهد (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷، ص. ۳۶). از سوی دیگر، آرگایل^۲ معتقد است که بیکاری و ترس از نداشتن شغل، یکی از بزرگ‌ترین منابع ناشادی در دنیای مدرن است؛ البته نه صرفاً به این دلیل که آدم‌های بدون شغل پول کمتری دارند تا خرج کنند بلکه به آن دلیل که کیفیت زندگی آدم بیکار به شدت نزول می‌کند؛ چون وی از میان جمع رانده شده است و کسی به وی اعتنا نمی‌کند و عزت نفس او لطمه دیده است (آرگایل، ۱۳۸۳، صص. ۱۶۹-۱۷۰). چانگ^۳ (۲۰۰۹) نیز بر این باور است که بهره‌وری، افزایش میزان تولیدات و افزایش ضریب اشتغال در هر جامعه‌ای تا حدودی به افزایش نشاط اجتماعی آن جامعه منجر می‌شود (چانگ، ۲۰۰۹، ص. ۸۳۷).

1. Lane
2. Argyle
3. Chang

سیکزنت میهالایی^۱ (۱۹۹۷) از دیگر نظریه پردازان مطرح در این حوزه، درباره تأثیر پول بر شادی معتقد است که افراد خیلی زود به سطح درآمد خود عادت می کنند، بیشتر مردم درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می کنند و ثروت شاید برای زندگی مفید باشد، اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با پول مقایسه شدنی و قابل خریداری نیستند (میرشاه جعفری، ۱۳۸۱، ص. ۵۵).

از نگاه ادینگتون و شومن^۲ (۲۰۰۴) نیز تأثیر مستقیم ثروت، تنها عامل تعیین کننده نیست. درحقیقت، رابطه بین ثروت ملی و شادمانی می تواند تاحدی متأثر از سایر منافع از قبیل کیفیت بالای دموکراسی و حقوق انسانی و همچنین برخورداری از سیستم درمانی پیشرفته تری باشد که افراد ملل ثروتمند از آن برخوردارند (ادینگتون و شومن، ۲۰۰۴: ۲۲).

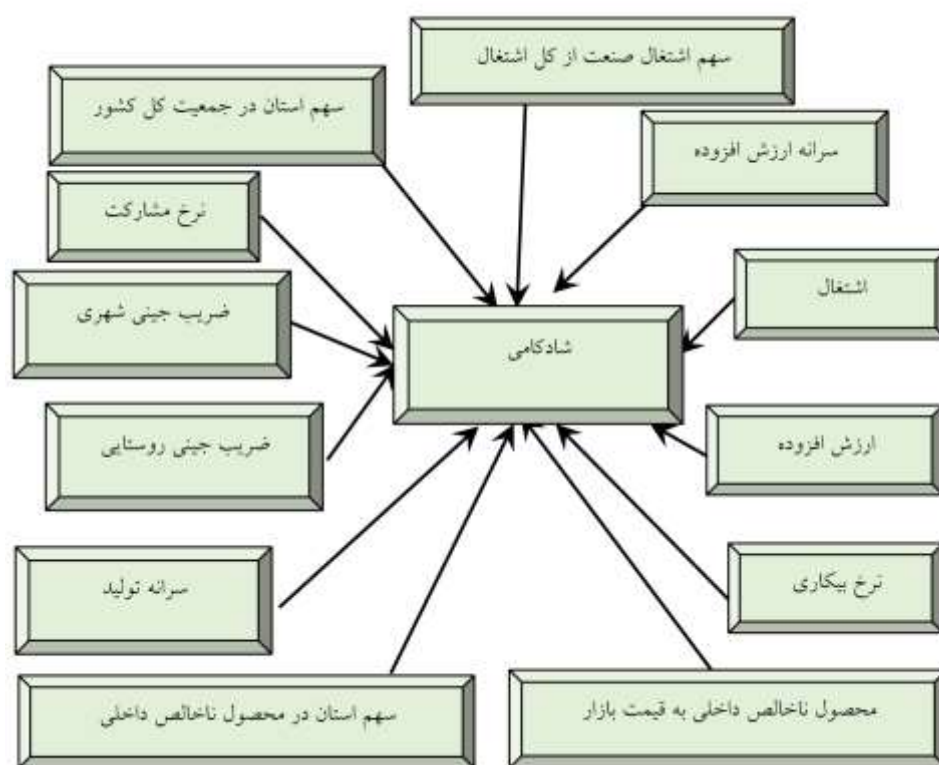
در جمع بندی می توان گفت که از نگاه بوردیو، مارکس، آرگایل، جان لاک و جرمی بنتهام، به طور کلی شاخص های اقتصادی بر شادکامی افراد اثرگذار هستند، اما از نگاه سیکزنت میهالایی و ادینگتون و شومن، فقدان ثروت، بدبختی و ناشادی به همراه می آورد، ولی داشتن آن هیچ ضمانتی برای خوشبختی به همراه ندارد. در کنار شاخص های اقتصادی مهمی چون درآمد، ثروت، بیکاری، وضعیت اشتغال و پایگاه اقتصادی، در سایر پژوهش ها از تأثیر بسیاری از متغیرهای مطرح در پژوهش حاضر بر نشاط غفلت شده است و همین امر ضعف نظری و پژوهشی این موضوع را افزایش می دهد و به طور ویژه، نیازمند بررسی است. براساس چارچوب نظری و مدل تحلیلی مهم ترین فرضیه های این پژوهش عبارت اند از:

- ۱- بین اشتغال ناقص و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین نرخ بیکاری و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین ضریب جینی شهری و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ضریب جینی روستایی و شادکامی رابطه وجود دارد.

1. Csikszentmihalyi

2. Eddington & Shuman

- ۵- بین نرخ مشارکت و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۶- بین ارزش افزوده و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۷- بین محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار و شادکامی رابطه وجود دارد.



شکل ۱- مدل تحلیلی پژوهش

- ۸- بین سهم استان در محصول ناخالص داخلی و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۹- بین سهم استان در جمعیت کل کشور و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۱۰- بین سرانه تولید و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۱۱- بین سرانه ارزش افزوده و شادکامی رابطه وجود دارد.

۱۲- بین سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال و شادکامی رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف شناخت رابطه شاخص های اقتصادی با نشاط اجتماعی به تحلیل ثانویه داده های موجود در مقیاس کشوری به تفکیک استانی در این زمینه پرداخته است. داده های مربوط به نشاط اجتماعی از مطالعه منتظری و همکاران (۱۳۹۱) و داده های مربوط به شاخص های اقتصادی از نتایج آمارگیری کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران (۱۳۹۱) اخذ شده است. روش این تحقیق از نوع تحلیل ثانویه است و داده ها از منابع مرکز آمار ایران و مجلات علمی-پژوهشی استخراج شده است. برای تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار SPSS استفاده شد. برای توصیف داده ها از جداول فراوانی، میانگین، انحراف معیار، دامنه تغییرات، حداقل نمره و حداکثر نمره و برای تحلیل استنباطی داده ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

۱.۳. تعریف نظری مفاهیم

۱.۱.۳. نشاط اجتماعی

نشاط عبارت است از بشاش بودن و مسرور بودن که در رفتار فیزیکی و تجربه هیجانی مشاهده شدنی است و این حالت به واژه تبسم، سرور و وجد نزدیک است (سلیگمن و دانر^۱، ۲۰۰۲: ۱۸۲).

۲.۱.۳. اشتغال ناقص

اشتغالی است که در آن امکان به کارگیری یا بهره برداری از تمامی استعدادها، ظرفیت ها یا توانایی های فرد فراهم نباشد و شامل اشتغال ناقص زمانی، اشتغال ناقص مهارتی و اشتغال ناقص درآمدی است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۳.۱.۳. نرخ بیکاری

عبارت است از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۴.۱.۳. ضریب جینی

شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت و درآمد در میان مردم است. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۵.۱.۳. نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت)

عبارت است از نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیش‌تر به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیش‌تر ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۶.۱.۳. ارزش افزوده

ارزش اضافی ایجاد شده در جریان تولید است.

۷.۱.۳. محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار

نتیجه نهایی فعالیت‌های اقتصادی واحدهای تولیدی مقیم یک کشور در دوره زمانی معین است.

۸.۱.۳. سهم استان در محصول ناخالص داخلی

عبارت است از نسبت محصول ناخالص داخلی استان به محصول ناخالص داخلی کل کشور ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۹.۱.۳. سهم استان در جمعیت کل کشور

عبارت است از نسبت جمعیت استان به جمعیت کل کشور ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۱۰.۱.۳. سرانه تولید صنعت

عبارت است از نسبت تولید کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به جمعیت ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۱۱.۱.۳. سرانه ارزش افزوده صنعت

عبارت است از نسبت ارزش افزوده کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به جمعیت ضرب در ۱۰۰ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۱۲.۱.۳. سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال

عبارت است از نسبت شاغلان کارگاه های ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به کل شاغلان (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

۴. یافته های تحقیق

در جدول ۱ مقادیر اشتغال ناقص بیان می کند که بیشترین نرخ اشتغال ناقص به استان گلستان متعلق است که با اختلاف زیادی در مقایسه با سایر استان ها در جایگاه اول قرار گرفته است و کمترین مقدار به استان کردستان اختصاص یافته است. میزان این شاخص در کل کشور برابر با ۲/۳ است که از متوسط این شاخص در بین استان ها بیشتر است. به طور کلی، حدود یک سوم استان های کشور نرخ کمیتر از یک درصد را تجربه می کنند. نرخ بیکاری نیز از جمله شاخص های منفی اقتصادی است که هرچه این میزان بالا باشد، گویای عملکرد ضعیف در تأمین شغل است. در این شاخص، تنها ۲۳ درصد استان ها نرخ بیکاری تک رقمی را دارا هستند. استان لرستان بیشترین نرخ بیکاری (۲۰/۰ درصد) و استان خراسان جنوبی کمترین نرخ بیکاری (۶/۳ درصد) را در میان استان های کشور دارد. نرخ بیکاری در کل کشور برابر با ۱۲/۱ است که در مقایسه با بیشتر استان های کشور نرخ بالاتری دارد.

جدول ۱- وضعیت صادرات و شاخص‌های اقتصادی استان‌ها و کشور
منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱، ص ۵۹۷، ستاری و همکاران، ۱۳۹۱

صنعت	صنعت		میزان تولید		صنعت ملی		وضعیت صادرات		وضعیت تجاری		بازار کار		میزان صادرات		نام استان‌ها	ردیف
	میزان تولید	میزان تولید	صنعت کل کشور	صنعت استان	صنعت کل کشور	صنعت استان	وضعیت کلی کشور	وضعیت کلی استان	وضعیت کلی کشور	وضعیت کلی استان	وضعیت کلی کشور	وضعیت کلی استان	وضعیت کلی کشور	وضعیت کلی استان		
صنعت از کل اشتغال	۲۷۰	۱۳۰۶۱	۵۳/۴	۳۳/۳	۳۶۵۰۶	۱۶۳۳۳	۴/۱۰	۱۶۵۳/۰	۳۰۳۱۷	۴/۱	۴/۱۱	۸۴/۰	۳۵/۳	۳۵/۳	۱	آذربایجان شرقی
صنعت از کل اشتغال	۳۵	۲۲۰	۱/۴	۱۳/۱	۱۵۳۴۴	۱۵۵۳۱	۷/۵	۳۱۳۳/۰	۳۳۳۴	۵/۰	۱۱	۹۱/۰	۴۱/۳	۴۱/۳	۲	آذربایجان غربی
صنعت از کل اشتغال	۶۵	۳۳۸	۲/۵	۵/۱	۷۸۷۷	۷۷۵۴	۴/۴	۳۳/۰	۳۳۶۹	۸/۲	۳/۳	۹۱/۰	۳۷/۳	۳۷/۳	۳	زنجان
صنعت از کل اشتغال	۲۲۱	۳۳۱۵	۴/۶	۷	۵۱۴۳۵	۵۱۴۵۴	۷/۶	۳۵۵۰/۰	۳۳۶۵	۵/۴	۷/۳	۹۱/۰	۴۱/۳	۴۱/۳	۴	اصفهان
صنعت از کل اشتغال	۷۹	۱۸۳	۳/۱	۱۲/۰	۵۵۰۴	۵۵۲۴	۷/۲	۱۵۵۳/۰	۱۳۳۳	۵/۱	۲/۷	۵۴/۰	۵۳/۳	۵۳/۳	۵	ایلام
صنعت از کل اشتغال	۴۱۴	۱۰۸۴۱	۳۹/۰	۵۳/۳	۳۵۰۱۲	۳۶۰۵۸	۷/۳	۳۵۵۶/۰	۳۵۵۶	۱	۲/۱	۵۳/۰	۳۵/۳	۳۵/۳	۶	زنجان
صنعت از کل اشتغال	۳۴۴	۱۵۰۵۷	۱۸/۱	۳۷/۴	۱۸۱۰۳۳	۱۸۰۸۳۳	۵/۳	۳۹۱۳/۰	۳۷۶۰	۲/۱	۲/۱	۵۸/۰	۴۳/۳	۴۳/۳	۷	خراسان جنوبی
صنعت از کل اشتغال	۳۳۰	۶۵۳	۱۹/۰	۱۲/۰	۵۵۳۹	۴۱۷۵	۴/۶	۳۱۶۵/۰	۲۸۳۰	۸/۰	۸/۰	۹۱/۰	۳۳/۳	۳۳/۳	۸	چهارمحال و بختیاری
صنعت از کل اشتغال	۱۳۴	۳۸۰	۱۲/۰	۵/۱	۳۵۵۸	۳۸۱۴	۳	۳۳۶۰/۰	۲۸۰۷	۳/۶	۳/۶	۵۵/۰	۳۵/۳	۳۵/۳	۹	خراسان جنوبی
صنعت از کل اشتغال	۳۳۰	۳۵۶	۸	۴/۵	۴۰۱۱۱	۳۸۹۳	۴۰	۳۰۵۵/۰	۳۱۶۷	۶/۸	۶/۸	۹۱/۰	۱۸/۳	۱۸/۳	۱۰	خراسان رضوی
صنعت از کل اشتغال	۳۷۳	۴۵۴	۱۵/۰	۷/۰	۴۵۵۸	۴۱۰۶	۹/۳	۳۳۷۰/۰	۳۳۱۸	۵/۱۰	۵/۱۰	۰/۱	۴۳/۳	۴۳/۳	۱۱	خراسان شمالی
صنعت از کل اشتغال	۳۳۴	۳۳۷	۱۴/۰	۳/۱۰	۷۰۵۸	۷۰۴۳	۷/۳	۳۱۱/۰	۳۰۴۱	۷/۱	۷/۱	۹۱/۰	۶/۳	۶/۳	۱۲	خراسان رضوی
صنعت از کل اشتغال	۴۳۸	۱۰۰۳۷	۳۴/۰	۹/۰	۳۴۴۴	۳۴۱۴	۷/۴	۳۴۴۰/۰	۳۵۵۰	۷/۱	۷/۱	۸۴/۰	۶/۳	۶/۳	۱۳	لرستان
صنعت از کل اشتغال	۸۴۳	۲۴۳۳	۸/۰	۸/۰	۳۵۳۷	۳۷۳۳	۳	۳۱۷۰/۰	۳۹۹۰	۶/۸	۶/۸	۹۱/۰	۵/۳	۵/۳	۱۴	سمنان
صنعت از کل اشتغال	۶۰۳	۱۱۶	۴/۳	۳/۰	۱۰۱۳۵	۱۰۱۳۵	۷/۶	۳۰۵۷/۰	۳۳۵۰	۴/۱۰	۴/۱۰	۵۵/۰	۴۳/۳	۴۳/۳	۱۵	سمنان
صنعت از کل اشتغال	۳۸۸	۷۷۱	۶/۰	۷/۴	۳۵۱۱۹	۳۴۸۴	۵/۶	۳۵۰۹/۰	۳۱۱۰	۷/۱	۷/۱	۹۱/۰	۳/۳	۳/۳	۱۶	سمنان
صنعت از کل اشتغال	۹۱۰	۳۵۵۰	۷/۰	۵/۱	۱۱۱۴۹	۱۰۹۳۵	۷/۳	۳۲۰۰/۰	۳۸۴۰	۱۳	۱۳	۰/۱	۳/۳	۳/۳	۱۷	فارس
صنعت از کل اشتغال	۳۳۹	۴۳۴	۵/۰	۵/۱	۷۷۵۴	۷۷۵۴	۵/۴	۳۳۷۰/۰	۳۳۷۰	۳/۱	۳/۱	۹۱/۰	۵/۳	۵/۳	۱۸	فارس

۱. این جدول به رنگ آبی‌سبز مربوط به میزان صادرات است. استان البرز موجود نبود. این استان در تحلیل ما حذف شد.

۱۹	گروستان	۵۹/۳	۹۲/۰	۳/۰	۹/۱۳	۲۹۱۱۱	۰/۱۱۱۱	۳۱/۹	۷۱۸۷	۷۴۱	۱/۲۰	۹۰/۱	۱۵۲۱	۱۰۰	۰/۱۰
۲۰	کرمان	۳۸/۳	۹۰/۰	۶/۳	۷/۸	۲۸۸۷۱	۰/۸۱۱۱	۳۱/۸	۲۳۳۵۸	۳۳۱	۳/۱۱	۹۰/۳	۱۳۱۸	۱۳۵	۰/۱۰
۲۱	کرمانشاه	۱۴/۳	۹۱/۰	۱/۵	۱۱/۱	۳۱۸۸۱	۰/۸۱۱۱	۲/۳	۱۳۱۰۵	۳۳۱	۱/۲۷	۲/۵	۲۷۱	۳۵۸	۰/۱۰
۲۲	گیلان و خوارزمشهر	۵۰/۳	۹۵/۰	۳/۴	۰/۱۱	۲۸۸۸	۰/۸۱۱۱	۹/۵	۱۰۹۲۰	۳۳۱	۲/۲۰	۸۰/۰	۸۱۱	۳۸۴	۰/۱۰
۲۳	گلستان	۶۵/۳	۹۲/۰	۱/۱	۷/۵	۳۱۸۱	۰/۱۱۱۱	۵/۵	۹۰۲۸	۳۳۱	۱/۲۱	۳۸/۳	۱۸۸	۱۰۵	۰/۱۰
۲۴	گیلان	۵۲/۳	۹۱/۰	۲/۲	۲/۵	۳۱۸۱	۰/۱۱۱۱	۳/۲	۱۱۱۰۷	۳۳۱	۲/۲	۲/۵	۱۲۲	۱۲۲	۰/۱۰
۲۵	لرستان	۵۵/۳	۸۱/۰	۱/۲	۲۰	۳۱۵۱	۰/۱۱۱۱	۵	۳۵۲۵	۳۳۱	۱/۲۱	۳۳/۳	۲۲۲	۲۱۰	۰/۱۰
۲۶	مازندران	۵۵/۳	۹۲/۰	۱/۱	۷/۸	۲۹۱۱	۰/۱۱۱۱	۳	۲۵۲۸	۳۳۱	۳/۱۵	۳۸/۰	۲۰۱	۱۲۱	۰/۱۰
۲۷	مرکزی	۳۱/۳	۹۵/۰	۲	۳/۱۰	۳۳۸۱	۰/۸۱۱۱	۳	۱۷۵۱۱	۳۳۱	۲/۲۰	۱/۸	۲۵۲	۱۰۸۱	۰/۱۰
۲۸	هرمزگان	۶۳/۳	۸۱/۰	۷/۰	۱۱/۵	۲۵۸۱	۰/۸۱۱۱	۳۱/۱	۸۵۲۸	۳۳۱	۳/۲۳	۱/۸	۱۸۱	۸۵۸	۰/۱۰
۲۹	همدان	۳۰/۳	۹۱/۰	۱/۰	۷/۸	۳۳۸۱	۰/۸۱۱۱	۳/۳	۱۳۱۱۱	۳۳۱	۱/۲۵	۲/۳	۱۱۱	۲۰۲	۰/۱۰
۳۰	یزد	۱۱/۳	۹۱/۰	۵/۰	۰/۱۰	۲۰۸۱	۰/۸۱۱۱	۲/۲	۱۰۵۲۱	۳۳۱	۳/۱۰	۲/۲	۲۵۲	۱۰۲	۰/۱۰
۳۱	کل کشور	۵۳/۳	۹۰/۳	۳/۲	۱/۲	۳۳۱۸	۰/۸۱۱۱	۱/۳	۷۳۲۵۲	۳۳۱	۱۰۰	۱۰۰	۱۲۸۰	۱۳۰	۰/۱۰

در جدول ۱ ضریب جینی، چگونگی توزیع درآمد را در بین خانوارها نشان می‌دهد که مقادیر این شاخص بیان می‌کند ضریب جینی شهری در کل کشور دارای مقداری برابر با ۰/۳۵۴۲ است که از بیشتر استان‌های کشور مقدار بیشتری است؛ به طوری که تعداد معدودی از استان‌ها مقداری بیشتر از کل کشور را دارا هستند. نتایج بررسی در ضریب جینی روستایی نیز نتایج مشابهی را نشان می‌دهد. استان ایلام در هر دو شاخص دارای بهترین عملکرد بوده است. در مجموع، دامنه تغییرات ضریب جینی شهری کمتر از ضریب جینی روستایی است و ثروت در میان مناطق شهری متوازن‌تر توزیع شده است.

بر طبق جدول ۱، بیشترین و کمترین میزان نرخ مشارکت به ترتیب ۴۲/۷ درصد و ۲۶/۷ درصد است و بیشتر استان‌ها نرخ بین ۳۰ تا ۴۰ درصد را دارا هستند که همین باعث شده است در کل کشور نیز مقداری مشابه برابر با ۳۷/۱ درصد داشته باشیم. دامنه تغییرات در این شاخص ۱۶ درصد است و استان آذربایجان غربی بیشترین و استان سیستان و بلوچستان کمترین مقدار را دارد.

در رابطه با ارزش افزوده، استان تهران با اختلاف فاحشی در صدر قرار دارد و پس از آن، استان‌های خوزستان اصفهان و خراسان رضوی در رده‌های بعدی جای گرفته‌اند. پراکندگی این شاخص بسیار زیاد است و شاید بتوان این پراکندگی را با توجه به جمعیت استان‌ها توجیه کرد.

سهم محصول ناخالص داخلی در جدول ۱ بیانگر این است که هر استان چقدر از کل تولیدات کشور را داشته است. استان تهران تقریباً یک‌چهارم محصول ناخالص داخلی را تولید می‌کند. این اختلاف به میزانی با سایر استان‌ها زیاد است؛ به طوری که اگر تولید ۲۱ استان کشور را در نظر بگیریم، باز هم با سهم تهران برابری نمی‌کند.

سرانه تولید صنعت نیز نشان می‌دهد به ازای هر فرد چه میزان تولید در کارگاه‌های ۱۰ نفر کارکن و بیشتر صورت گرفته است که بیشترین میزان به استان بوشهر (۱۰۸۱۴۰/۵۰ درصد) و کمترین مقدار به استان سیستان و بلوچستان (۱۱۶۰/۹۵ درصد) تعلق دارد. میزان

این سرانه در استان بوشهر ۷ برابر متوسط کشور است. سهم سرانه استان بوشهر از مجموع سرانه دوسوم استان های کشور بیشتر است. سرانه ارزش افزوده نیز نتایج مشابهی با سرانه تولید دارد.

سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال بیان می کند چه میزان از اشتغال استان به کارگاه های ۱۰ نفر کارکن و بیشتر متعلق است که بیش از دوسوم استان های کشور نرخ زیر ۵ درصد را دارا هستند. در کل کشور نیز این مقدار برابر با ۵ درصد است. بیشترین سهم اشتغال به استان سمنان اختصاص دارد و کمترین سهم به استان سیستان و بلوچستان تعلق دارد.

بیشترین مقدار نشاط اجتماعی نیز برابر با ۳/۶۹ به زنجان متعلق است؛ بنابراین این استان را می توان شادترین استان کشور به حساب آورد. کمترین مقدار این متغیر ۳/۱۲ است که به استان یزد تعلق دارد. کل کشور نیز با میانگین ۳/۴۳ از لحاظ شادکامی در سطح متوسط قرار دارد.

جدول ۲ آماره های توصیفی وضعیت شادکامی و شاخص های اقتصادی استان ها را نشان می دهد. با مرور آماره های توصیفی متغیر شادکامی ملاحظه می شود که میانگین شاخص کلی شادکامی ۳/۴۳ و بیشترین و کمترین مقدار آن به ترتیب ۳/۶۹ و ۳/۱۲ است؛ بنابراین به طور کلی میانگین نشاط اجتماعی در سطح متوسط قرار دارد.

در بررسی نرخ اشتغال ناقص مشخص شد که میانگین به دست آمده پایین تر از سطح متوسط قرار دارد (میانگین ۲/۱۵ در دامنه نمرات ۰/۳ تا ۸/۱). در مورد شاخص نرخ بیکاری میانگین معادل ۱۱/۸۸ است که این شاخص بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. در بررسی میانگین ضریب جینی شهری مشخص شد (میانگین ۰/۳۱ در دامنه نمرات ۰/۲۳ تا ۰/۳۶) ضریب جینی شهری بالاتر از سطح متوسط قرار دارد و ضریب جینی روستایی با میانگین ۰/۳۰ پایین تر از سطح متوسط (۰/۲۷) قرار دارد.

محاسبه و ارزیابی ارزش افزوده استان ها (میانگین ۱۳/۲۳۱۸۴۵، دامنه نمرات ۳۸۱۲۴ تا ۱۸۰۱۰۳۲) نشان داد که نرخ ارزش افزوده بالاتر از سطح متوسط قرار دارد.

دامنه نمره محصول ناخالص داخلی استان‌ها بین ۳۸۵۲۸ تا ۱۸۱۶۰۳۲ در نوسان است و میانگین آن ۵۳/۲۳۴۰۵۳ است. میانه توزیع ۹۲۷۲۸۰ و بالاتر از میانگین است؛ بر این اساس می‌توان گفت که محصول ناخالص داخلی در مجموع بالاتر از سطح متوسط قرار دارد. میانگین شاخص کلی سهم محصول ناخالص داخلی، ۳/۱۵ و کمترین و بیشترین مقدار آن ۰/۵۲ و ۲۴/۴۷ است؛ بنابراین به‌طور کلی میانگین شاخص کلی سهم محصول ناخالص داخلی بیشتر از حد متوسط است. درمورد شاخص سرانه تولید نیز میانگین معادل ۶۳/۱۷۴۹۷ است که این شاخص کمتر از حد متوسط (۷۲/۵۴۶۵۰) ارزیابی می‌شود. سرانه ارزش افزوده یکی از شاخص‌های بررسی شده در پژوهش حاضر است. با توجه به میانگین سرانه ارزش افزوده این شاخص پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارد. درمورد شاخص سهم اشتغال نیز میانگین معادل ۰/۰۵ است که این شاخص نیز در کمتر از سطح متوسط است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی وضعیت شادکامی و شاخص‌های اقتصادی استان‌ها و کشور

متغیر	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات	حداقل نمره	حداکثر نمره
شادکامی	۳/۴۳	۰/۱۴	۰/۵۷	۳/۱۲	۳/۶۹
اشتغال ناقص	۲/۱۵	۱/۷۵	۷/۸	۰/۳	۸/۱
نرخ بیکاری	۱۱/۸۸	۲/۹۶	۱۳/۷	۶/۳	۲۰/۰
ضریب جینی شهری	۰/۳۱	۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۲۳	۰/۳۶
ضریب جینی روستایی	۰/۳۰	۰/۰۳	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۳۵
نرخ مشارکت	۳۶/۷۷	۳/۶۸	۱۶۰	۲۶/۷	۴۲/۷
ارزش افزوده	۱۳/۲۳۱۸۴۵	۳۲/۳۳۵۵۶۲	۱۷۶۲۹۰۸	۳۸۱۲۴	۱۸۰۱۰۳۲
محصول ناخالص داخلی به قیمت بازار	۵۳/۲۳۴۰۵۳	۲۴/۲۳۴۰۵۳	۱۷۷۷۵۰۴	۳۸۵۲۸	۱۸۱۶۰۳۲
سهم استان در محصول ناخالص داخلی	۳/۱۵	۴/۵۵	۲۳/۹۵	۰/۵۲	۲۴/۴۷
سهم استان در جمعیت کل کشور	۳/۲۲	۳/۱۰	۱۵/۴۵	۰/۷۴	۱۶/۱۹
سرانه تولید	۶۳/۱۷۴۹۷	۲۲/۲۴۴۷۳	۵۵/۱۰۶۹۷۹	۹۵/۱۱۶۰	۵۰/۱۰۸۱۴۰
سرانه ارزش افزوده	۴۹۳۵/۰۵	۷۵۶۴/۴۲	۳۹۶۶۹/۵۰	۴۷۳/۴۲	۴۰۱۴۲/۹۳
سهم اشتغال صنعت از کل اشتغال	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۲۰	۰/۰۰۹	۰/۲۱

برای بررسی رابطه میزان نشاط اجتماعی با شاخص‌های اقتصادی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و نتایج این آزمون‌ها در جدول ۳ گزارش شده است. نشاط اجتماعی از جمله متغیرهای اجتماعی است که از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد و هریک از متغیرهای پیش‌بین عاملی برای برآورد و تبیین جنبه‌های متفاوتی از متغیر ملاک به شمار می‌رود. در این پژوهش از شاخص‌های اقتصادی چون (اشتغال ناقص، ضریب جینی، نرخ مشارکت و...) برای تبیین نشاط اجتماعی استفاده شد. یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که بین شاخص‌های مختلف اقتصادی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد؛ به عبارت دیگر با افزایش سطح هریک از شاخص‌های اقتصادی، میزان نشاط اجتماعی افزایش پیدا نمی‌کند.

البته باید در تفسیر نتایج به این نکته مهم توجه کرد که کوچک بودن حجم نمونه (۳۰ استان) تاحدودی به معنادار نشدن روابط کمک کرده است؛ در صورتی که در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی ضرایب ۰/۲ و ۰/۳ معنادار شده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شادی و نشاط از جمله مفاهیمی است که در چند سال اخیر در عرصه روان‌شناسی گسترش و رشد زیادی داشته است و مدتی است که در جامعه‌شناسی نیز به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی مدنظر قرار گرفته است (زیبایی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲) و امروزه در علم اقتصاد به‌عنوان یکی از پیامدهای رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود (اهوایا، ۲۰۰۲، ص. ۲۴).

شادی موهبتی است که ارزش آن برای کسی که دچار گرفتاری‌ها و افسردگی‌ها شده است، بیشتر است. شادی موضوعی کاملاً فردی نیست و تاحدودی یکی از خواص جامعه است. شادی جامعه تابعی از عواملی است که بیشتر آن‌ها در جمع تجلی می‌یابند (آرگیل،

۱۳۸۳، ص. ۱۲۷). از سوی دیگر شاخص های اقتصادی یکی از مؤلفه های مهمی هستند که در تحلیل نشاط اجتماعی مؤثرند؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی ارتباط شاخص های اقتصادی و نشاط اجتماعی در بین استان های مختلف ایران پرداخته شده است. یافته های تحقیق نشان داد که میانگین شادکامی در کل کشور در سطح متوسط قرار دارد و بیشترین میزان شادکامی به استان زنجان اختصاص یافته است و کمترین مقدار به استان یزد متعلق است؛ این در حالی است که سؤال اصلی تحقیق مبنی بر بررسی رابطه شاخص های اقتصادی با نشاط اجتماعی در بین استان های مختلف ایران بوده است. در پاسخ به اصلی ترین سؤال تحقیق می توان گفت که بین هیچ یک از شاخص های اقتصادی و نشاط اجتماعی رابطه معناداری وجود ندارد. یافته های نظری دیدگاه دوگانه ای را درباره تبیین نشاط اجتماعی براساس شاخص های اقتصادی اتخاذ کرده اند: در واقع برخی معتقدند شاخص های اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر متغیر نشاط دارد و برخی معتقدند توزیع درآمد (ضریب جینی) در بین افراد با نشاط رابطه معناداری ندارد؛ گویی درآمد تا اندازه ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می کند، بر نشاط تأثیر دارد، ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز نشاط را افزایش نمی دهد (آرگایل، ۱۳۸۳، ص. ۲۱۴). این دیدگاه با نتیجه حاصل از بررسی ضریب جینی و نرخ بیکاری هم راستاست؛ به عنوان نمونه، در بین استان های ایران، یزد با پایین ترین نرخ بیکاری و بیشترین ضریب جینی، نمره کمی در نشاط کسب کرده است.

نتایج به دست آمده نیز با یافته های پژوهش های ابراهیم زاده و همکاران (۱۳۸۹)، ذهبی (۱۳۹۴) و مایرز (۲۰۰۰) که معتقدند رابطه معناداری بین شاخص های مختلف اقتصادی و نشاط اجتماعی وجود ندارد، همسوست.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، درباره شاخص های اقتصادی و نشاط اجتماعی مطالعات محدودی انجام گرفته است که متأسفانه در بسیاری از آن ها از بررسی شاخص های اقتصادی مطرح شده و استفاده شده در پژوهش حاضر، غفلت شده است و همین امر امکان مقایسه

یافته‌ها را با دشواری روبه‌رو کرده است، اما به‌طور کلی آنچه از یافته‌ها استنباط شدنی است، این است که تولید، رونق، اشتغال و مواردی از این دست شاید برای مردم یک جامعه مفید باشند، اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با شاخص‌های اقتصادی خوب مقایسه‌شدنی نیستند؛ به‌عنوان نمونه، شهر یزد به لحاظ نرخ بیکاری و سرانه تولید در شرایط مطلوب قرار دارد، اما کمترین میزان نشاط به این شهر تعلق دارد؛ درحالی‌که در استان‌های لرستان و زنجان برعکس است.

محققان در تبیین این رابطه معتقدند که اول اینکه، مردم خیلی زود به جایگاه خود در عرصه اقتصادی عادت می‌کنند و دوم اینکه، بیشتر مردم جایگاه خود را با جایگاه دیگران مقایسه می‌کنند؛ پس دیری نمی‌پاید که شور و نشاط نشئت‌گرفته از ثروت و موقعیت اقتصادی فروکش خواهد کرد و ما شاهد موج فزاینده افسردگی، پایین آمدن سن خودکشی، افزایش طلاق و بزهکاری و بسیاری از مشکلات روحی و اجتماعی دیگر خواهیم بود (بیات، نعامی و اسماعیلی فر، ۱۳۹۲، ص. ۱۸). با توجه به معنادار نشدن رابطه شاخص‌های اقتصادی با نشاط اجتماعی نیاز است در حوزه‌های دیگری به غیر از عرصه اقتصادی به دنبال ارتقای شادکامی مردم باشیم.

پیشنهاد می‌شود در راستای ارتقای شادکامی مردم، برنامه‌هایی تدوین و اجرا شود؛ به‌عنوان نمونه،

- برگزاری جشنواره‌های مهارتی مانند جشن پخت غذا و شیرینی و هنرهای دستی در تمامی ایام سال به ویژه ایام گردشگری؛
- برگزاری جشن‌هایی نظیر جشنواره میوه؛
- برگزاری جشن اعیاد به‌صورت یکپارچه با مدیریت خود محلات و مشاغل مختلف؛
- اجرای برنامه‌هایی نظیر نمایش با دوچرخه، اسکیت، اسب‌سواری، گروه سرود، گروه‌های ورزشی مانند تکواندو و کاراته، زدن ماسک و کشیدن نقاشی بر صورت، شعبده بازی، نورافشانی و مراسم تئاتر؛

- برگزاری جشنواره های فرهنگی با ساختار جدید مانند جشنواره زوج خوشبخت با حضور زوج های موفق، برگزاری مسابقه بین زوج ها، تئاتر خانوادگی و غیره با همکاری ادارات دولتی، سمن ها و بخش خصوصی؛
- افزایش کمی و کیفی جشن های عمومی شامل جشن های محلی مختص هر منطقه، جشن های ملی مانند مهرگان، جشن های مذهبی مانند مولودی خوانی؛
- حمایت از ایجاد سازمان های مردم نهاد مانند خانه ریاضیات در زمینه بازی و سرگرمی و معرفی آنان به دیگران ارگان ها مانند کانون های مساجد، پارک ها، مدارس، دانشگاه ها و...؛
- ایجاد و توسعه فضاهای ورزشی ویژه بانوان با توجه به محدودیت های اجتماعی- فرهنگی و قدرت تأثیرگذاری این گروه بر خانواده؛
- برگزاری بازی های جذاب، مفرح، متنوع (ورزشی، سرگرمی، علمی، خلاقانه، دیجیتالی و...)، هدفمند (متناسب با نیاز و اولویت های توسعه هر استان) و تیمی برای گروه های مختلف (خردسال، کودکان، جوانان، بانوان، سالمندان) با ارایه جوایز متنوع و خلاقانه و نه الزاماً گران؛
- تجهیز پارک ها به وسایل ورزشی و تفریحی مدرن و متنوع تر، به همراه ارتقای امکانات رفاهی و بهداشتی؛
- ارتقای کمی و کیفی ایستگاه های تندرستی در پارک ها (با انجام فعالیت هایی از قبیل سنجش فشار خون، تست افسردگی و آموزش مهارت های زندگی و...)
- برنامه ریزی برای تبدیل زمین های بایر به زمین های ورزشی مانند والیبال، فوتبال ساحلی، بسکتبال و زمین فوتسال؛
- برگزاری تورهای مختلف به صورت دسته جمعی؛
- ارتقای سطح فرهنگ عمومی برای رفتن به مسافرت و پذیرش گردشگر؛
- ارتقای کمی و کیفی برنامه های نشاط آور مساجد، مدارس و دانشگاه ها به ویژه در اعیاد با همکاری ارگان های مرتبط.

کتابنامه

۱. ابراهیم زاده، ب.، آرام، ه.، و پناهی، ب. (۱۳۸۹). بررسی نشاط اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه آزاد واحد پارس آباد مغان، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۲(۴)، ۱۴۴-۱۲۱.
۲. ابونسوری، ا.، و اسکندری، ج. (۱۳۹۵). مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر شادمانی. *مجله سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۸(۱۵)، ۱۵۲-۱۳۷.
۳. آرگایل، م. (۱۳۸۳). *روان‌شناسی شادی* (م. گوهری، ح. پالاهنگ، ف. بهرامی و ح. طاهرنشاط، مترجمان). دوست. اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴. بشیرنژاد، م. (۱۳۹۲). جامعه‌های که نشاط ندارد هیچ چیز ندارد. *مدیریت ارتباطات اجتماعی: تحلیلی، آموزشی و اطلاع‌رسانی*، (۳۴ و ۳۵)، ۶۵-۶۳.
۵. بوردیو، پ. (۱۳۸۰). *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی* (م. مردیها، مترجم). تهران: انتشارات نقش و نگار.
۶. بیات، م.، نعیمی، ع. ا.، و اسماعیلی‌فر، ن. (۱۳۹۲). سهم هریک از مقیاس‌های پایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده در پیش‌بینی شادکامی دانش‌آموزان دختر، *زن و فرهنگ*، ۴(۱۶)، ۲۲-۹.
۷. چلبی، م.، و موسوی، س. م. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان، *جامعه‌شناسی ایران*، (۱ و ۲)، ۵۷-۳۴.
۸. ذهبی، ع. (۱۳۹۴). *بررسی عوامل مرتبط با نشاط اجتماعی زائران ایرانی در شهر مشهد* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی)، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
۹. زارع شاه‌آبادی، ا.، مبارکی، م.، و فردوسی‌زاده نایینی، ا. (۱۳۹۴). تحلیل رابطه بین نشاط اجتماعی و گرایش به اعتیاد (در بین جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهر یزد)، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۹(۱۶)، ۱۷۴-۱۴۵.
۱۰. زیبایی، ن. (۱۳۹۱). *بررسی نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در ایلام* (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی)، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

۱۱. شریفی، خ.، سوکی، ز.، تقریبی، ز. و اکبری، ح. (۱۳۸۹). وضعیت نشاط و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان طی سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵. فصلنامه فیض، ۱، ۶۲-۶۹.
۱۲. عابدی، م. ر. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه اثربخشی روش های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فوردایس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آ. پ. شهر اصفهان (رساله منتشر نشده دکتری رشته مشاوره). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۱۳. عنبری، م.، و حقی، س. (۱۳۹۳). بررسی عوامل فردی اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان (مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلجان). جامعه شناسی کاربردی، ۲۵(۱)، ۱-۲۶.
۱۴. فرهادی، ع.، جواهری، ف.، غلامی، ی. ب. و فرهادی، پریش. (۱۳۸۴). میزان نشاط و ارتباط آن با اعتماد به نفس در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۷(۲۵ و ۲۶)، ۵۷-۶۲.
۱۵. قطره ای، ف. (۱۳۸۵). بررسی رابطه شادکامی (نشاط) و کیفیت عوامل آموزشی در دوره ابتدایی مدارس شهر تهران (پایان نامه منتشر شده کارشناسی ارشد رشته روانشناسی و علوم تربیتی). دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران.
۱۶. کیانی، م. (۱۳۹۱). شادکامی و سرمایه اجتماعی در بین خانواده های ایرانی. علوم کاربردی جهانی، ۱۸(۸)، ۱۰۳۶-۱۰۳۰.
۱۷. کیا، ع. و امیری، ر. (۱۳۹۱). بررسی میزان نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین شهروندان ۶۴-۱۵ سال شهر اهواز. برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵، ۱۷۴-۱۳۷.
۱۸. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). آمارهای موضوعی، برآورد و پیش بینی جمعیت کشور به تفکیک استان. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۱۹. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). طرح آمارگیری نیروی کار. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۱). نتایج آمارگیری از کارگاه های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>

۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۲). *سالنامه آماری*. بازیابی از <https://www.amar.org.ir>
۲۲. منتظری، ع.، امیدواری، س.، آذین، س.ع.، آیین پرست، ا.، جهانگیری، ک.، صدیقی، ژ.، ... و فتحیان، س. (۱۳۹۱). میزان شادکامی مردم ایران و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایرن. *فصلنامه پایش*، ۴، ۴۶۷-۴۷۵.
۲۳. هزارجریبی، ج.، و آستین فشان، پ. (۱۳۸۸). بررسی اجتماعی عوامل مؤثر بر نشاط (با تأکید بر استان تهران)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲۳)، ۱۱۹-۱۴۶.

24. Ahuvia, A. (2002). Individualism/collectivism and cultures of happiness: A theoretical conjecture on the relationship between consumption, culture and subjective well-being at the national Level. *Journal of Happiness Studies*, 3(1), 23-36.
25. Alois, P. (2014). Income Inequality and Happiness: Is There a Relationship? LIS working paper series. Retrieved from [https:// ideas. repec. org/ p/ lis/ liswps/ 614.html](https://ideas.repec.org/p/lis/liswps/614.html)
26. Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*. London: Methuen publishing.
27. Chang, W. (2009). Social capital and subjective happiness in Taiwan. *International Journal of Social Economics*, 3(6), 835-851.
28. Chiu, S. W., & Wong. T. (2018). Happiness of Hong Kong youth from 2000 to 2014: empirical evidence on the differential impact of socioeconomic conditions on youth versus other age groups. *Journal of Youth Studies*, 21(3), 253-271.
29. Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125(2), 276-302.
30. Eddington, N., & R. Shuman (2004). Subjective well-being Presented by continuity psychology education. *The Journal of Personality & Social Psychology*, 34(8), 41-57.
31. Fuentes, N., & Rojas, M. (2001). Economic theory and subjective well-being: Mexico. *Social Indicators Research*, 53(3), 289-314.
32. Gropper, D. M., Lawson, R. A., & Thorne, J. T. (2011). Economic freedom and happiness. *Cato Journal*, 31(2), 237-255.
33. Helliwell, J. F., Layard, R., & Sachs, J. (2016). *The distribution of world happiness: World happiness report 2016*. New York: UN Sustainable Development Solutions Network.

34. Lane, R. E. (2000). Diminishing returns to income, companionship—and happiness. *Journal of Happiness Studies*, 1(1), 103-119.
35. Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a new science*. New York: Penguin Books.
36. Mota, G. L., & Trigo Pereira, P. (2008). Happiness, economic well-being, social capital and the quality of institutions. *School of Economics and Management*, 40, 1-26.
37. Myers, D. G. (2000). The Funds, Friends and Faith of Happy People. *Journal of American Psychologist*, 55(1), 55-67.
38. Perneger, T. V., Hudelson, P. M., & Bovier, P. A., (2004). Health and happiness in young Swiss adults. *Quality of Life Research*, 13(1), 171-178.
39. Ruprah, I., & Luengas, P. (2009). *Should central banks target happiness? evidence from Latin America*. Washington, D.C.: Inter-American Development Bank.
40. Seligman, M. E. P., & Danner, E. d. (2002). Very Happy People. *Psychological Science*, 13, 181- 184.